

Reflection of People's Demands for Government in the Works of Mystics, Writers, and Historians of the Timurid Era

Vali Dinparast, *Department of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran*

Received: 2024/07/15

Received in Revised Format: 2024/08/15

Accepted: 2024/09/08

Published: 2024/09/22

Abstract

Paying attention to the demands of the people or public opinion regarding government has been emphasized by Iranian mystics, writers, and historians in all historical periods, including the Timurid era. By citing Quranic verses, prophetic hadiths, and instructive stories of elders, they sought to show the Timurid rulers the correct methods of governance that were the people's desire. The thoughts of this group of writers reflected the public opinion of society in governing based on the principles of Islamic law and religious traditions. Mystics, writers, and historians were in fact the spokesmen of the people. They expected Muslim rulers to govern according to the principles of Islamic law and the words of the elders of Islam and to pay attention to the people's desires in governing. What methods of governance did mystics, writers, and historians express to the Muslim rulers of the ninth century AH, and how was the public opinion of the people reflected in their works, is the subject of this research, which has been examined in an analytical and descriptive manner, citing historical, literary, and mystical sources. As a result, it has been shown that mystics, writers, and historians have expressed the best model of Islamic governance to the rulers through the people's words.

Keywords: popular demands, writers, mystics, historians, Timurids

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2025.64034.1010

انعکاس خواسته های مردمی از حکومت در آثار عرفا، ادبا و مورخان عصر تیموری

ولی دین پرست، گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

توجه به خواسته های مردم یا افکار عمومی نسبت به حکومت در تمام ادوار تاریخی از جمله در عصر تیموریان مورد تاکید عرفا، ادبا و مورخان ایرانی بوده است. آنان با استناد به آیات قرآنی و احادیث نبوی و حکایات پند آمیز بزرگان در صدد برآمدند شیوه های صحیح حکمرانی را که خواست مردم بوده به فرمانروایان تیموری نشان دهند. اندیشه های این گروه از اهل قلم انعکاس افکار عمومی جامعه در حکمرانی بر اساس اصول شرع و روایات دینی بوده است. عرفا، ادبا، و مورخان در واقع سخن گویندگان مردم بودند. آنان انتظار داشتند حاکمان مسلمان طبق اصول شریعت و سخنان بزرگان دین اسلام حکومت نموده و به خواسته های مردم در حکمرانی توجه کنند. این که عرفا و ادبا و مورخان چه روش هایی را برای حکمرانی خطاب به فرمانروایان مسلمان قرن نهم هجری بیان نموده اند افکار عمومی مردم در آثار آنان چگونه انعکاس یافته، موضوع بحث این پژوهش است که به شیوه تحلیلی و توصیفی و با استناد به منابع تاریخی، ادبی و عرفانی مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه نشان داده شده است که عرفا، ادبا و مورخان بهترین الگوی حکمرانی اسلامی را خطاب به فرمانروایان از زبان مردم بیان نموده اند.

کلیدواژه ها: هیئت های مذهبی، استعمار، قاجاریه، مدارس جدید، تأثیرات فرهنگی

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.64034.1010

مقدمه

توجه به خواسته های مردم که امروزه از آن تحت عنوان افکار عمومی یاد می شود در طول تاریخ همواره مورد تاکید عرفا، ادبا، شعراء، علما و مورخان و اهل قلم بوده است. در دوره تیموریان نیز توجه به خواسته های مردم از سوی حکومت بسیار تاکید شده است. عرفا، ادبا و مورخان با ذکر مصادیق خواسته های مردمی نظیر رعایت عدالت و رعیت پروری، جلوگیری از ظلم و ستم عمال حکومتی بر مردم، رسیدگی به شکایات مردم، کمک های مالی به مردم هنگام بروز قحطی و بیماری و... تلاش کردند سلاطین تیموری را مقید به اجرای این خواسته های مردم بنمایند. در واقع آنان منعکس کننده افکار مردم بوده اند. این گروه از اهل قلم در آثار خود از زبان مردم سخن گفته اند و گاهی نیز با ذکر نمونه هایی از عملکرد سلاطین تیموری، آنان را مجری خواسته های مردم معرفی کرده اند. با توجه به این که تیموریان خود را از نسل چنگیز خان معرفی می کردند. اهل قلم ایرانی کوشیدند سلاطین تیموری را با اصول کشورداری ایرانی آشنا سازند و آنان را به رعایت شیوه حکومت داری سلاطین ایرانی تشویق نمایند. شامی و یزدی، حافظ ابرو و

خواندمیر در آثار خود تیمور، شاهرخ، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا را به رعایت عدالت و رسیدگی به حال رعایا و مجازات عمال خطاکار رعیت پرور دعوت نموده اند. عرفایی مانند کمال الدین حسین خوارزمی و پیر جمال الدین اردستانی با پند و اندرز و با ذکر آیاتی از قرآن و احادیث نبوی سلاطین تیموری را به رعایت عدالت در کشورداری دعوت کرده و به آنان هشدار داده اند که بقای حکومتشان به رعایت عدالت و دوری از ظلم بر مردم بستگی دارد. این خواسته ها جزء اساسی ترین مطالبات مردم از حکومت ها در تمام ادوار تاریخ از جمله در دوره تیموریان بوده است. بررسی چگونگی انعکاس خواسته های مردم در آثار عرفا، ادبا و مورخان عصر تیموری موضوع بحث این پژوهش است. آگاهی از خواسته های مردمی از حکومت و عملکرد حکومت در برابر این خواسته ها ضرورت انجام این پژوهش را فراهم نموده است.

در خصوص توجه به افکار عمومی علیرضا کریمی و دیگران در مقاله ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی شکل گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه» به بررسی این موضوع در دوره صفویه پرداخته اند. همین نویسندگان در مقاله ای دیگر تحت عنوان «رویکرد حکومت آق قویونلوها نسبت به افکار عمومی» و «عملکرد حکومت صفویه پیرامون کانون ها و مراکز شکل گیری افکار عمومی» این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند. رضا ایمانی، زینب امیدیان، توجه به افکار عمومی را در حکومت علویان طبرستان را بررسی کرده اند فاطمه اسدیان توجه به افکار عمومی در دوره امامت و خلافت علی(ع) را مورد بررسی قرار داده است. اما در خصوص توجه به افکار عمومی در دوره تیموریان پژوهشی صورت نگرفته است.

مبانی نظری

هر چند افکار عمومی اصطلاحی است که از قرن هیجدهم میلادی پدید آمده و با گسترش فعالیت رسانه های جمعی و تلاش دولت ها برای جهت دهی هدفمند به افکار عمومی، وجهه جدیدی به خود گرفته است، اما در واقع این پدیده ریشه در آغاز زندگی جمعی انسان و شکل گیری گرایش های جمعی اذهان جامعه دارد(اسدیان، ۱۳۹۴: ۱۴۴). آلفرد سووی جمعیت شناس فرانسوی افکار عمومی را چنین تعریف کرده است: «افکار عمومی ضمیر باطنی یک ملت است. افکار عمومی، این قدرت گمنام، غالباً یک نیروی سیاسی است. نیرویی است که در هیچ قانون اساسی پیشبینی نشده است» (متولی، ۱۳۸۴: ۹۶). سیدمن می نویسد: «افکار عمومی برای ما نیروی نهان و آشکار است که از ترکیب اندیشه ها و احساس ها و برداشت های فردی به وجود آمده و ترکیبی است که وزن آن با میزان تأثیرات و قدرت تهاجم عقاید تشکیل دهنده آن متفاوت است(سید من، به نقل از متولی، ۹۸).

نوع نگاه حکومت ها به افکار عمومی در ابعاد گوناگون مورد توجه است. اول نگاهی که از آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد به عبارت دیگر حکومت برنامه هایی برای ایجاد فضای مساعد در افکار عمومی مردم نسبت به خود ایجاد می نماید تا بتواند با جلب حمایت آنان در مواقع مورد نیاز از مزایای آن بهره ببرد. نوع دیگر نگاه به افکار عمومی نگاه تربیتی است در این نوع نگاه، افکار عمومی به خودی خود موضوعیت می یابد یعنی مردم و افکار آنان فی ذاته برای حکومت دارای اهمیت و احترام است. حکومت وظیفه خود می داند تا با آگاه سازی مردم و جهت دهی صحیح به افکار آنان زمینه را برای رشد و سعادتشان فراهم آورد(اسدیان، ۱۴۵).

تبعیت و همراه کردن مردم با دولت، از دیرباز دغدغه اندیشمندان علم سیاست و مردان سیاسی بوده است. به گونه ای که حتی دیکتاتورترین حکومت ها به دنبال مشروع جلوه دادن اعمال خود بوده و هستند تا با اقناع افکار عمومی مردمان خود، توان اعمال قدرت را داشته باشند. اهمیت اقناع و متقاعدسازی افکار عمومی به میزانی است که می توان آن را یکی از مهمترین اهدافی دانست که مشروعیت به دنبال آن است. از این رو، بسیاری افکار عمومی را قدرت ناپیدایی دانسته اند که برای شهر، دربار و حتی قصر پادشاهان، قانون و رفتار وضع می کنند(کریمی و دیگران، ۱۳۹۸ الف: ۲۵۹). در اندیشه سیاسی حکومت های ایرانی در دوره اسلامی برپایی عدالت و رسیدگی به مشکلات و مسائل مردم یکی از اصلی ترین وظایف و اقدامات حکومت ها در جلب توجه افکار عمومی بوده است(کریمی و دیگران ب، ۱۳۹۸: ۱۸۹).

در طول تاریخ پادشاهان و سرداران بزرگ، موفقیت های خود را بیشتر در سایه نفوذ و تأثیر تبلیغات بر افکار و اذهان به دست آوردند تا ساز و برگ نظامی و ارتش نیرومند(ایمانی و امیدیان، ۱۴۰۰: ۳۱). بر این اساس رویکرد تیموریان نسبت به افکار عمومی و جلب نظر مردم نسبت به حکومت در سه محور مورد بررسی قرار می گیرید: اول توجه به افکار عمومی برای جلب حمایت مردم در مواقع مورد نیاز، دوم اقناع افکار عمومی و بدست آوردن نظر مورد برای مشروعیت بخشیدن به حکومت از نظر مذهبی، سوم توجه به افکار عمومی، آسایش و آرامش و سعادت مردم از طریق ایجاد عدالت و رفاه و رفع ظلم و ستم در جامعه. مهمترین بخش توجه حکومت ها به افکار عمومی در راستای توجه به خواسته های مردم در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است در ادامه این مسئله مورد بررسی قرار می گیرد.

انعکاس عدالت خواهی و جلوگیری از چپاول و ظلم بر مردم در منابع ادبی و تاریخی

یکی از خواسته های مردم از حکومت تیموریان برقراری عدالت و جلوگیری از ظلم و ستم عمال حکومتی و خودداری از چپاول مالی و زیاد ستانی مالیاتی بوده است. در منابع تاریخی دوره تیموری مکرر به توجه سلاطین و شاهزادگان تیموری به این خواسته مردم اشاره شده است. حافظ ابرو یکی از

نشانه های زوال حکومت ها را بی توجهی فرمانروا بر زندگی و معیشت مردم می داند و می نویسد: «نشان زوال ملک حاکم آن است که در مصالح بیچارگان نظر نکند و ظلم روا دارد» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۶۶). وی این سخن را در پی نقل حوادث مصیبت بار آذربایجان در سال ۸۰۸ هجری بیان کرده است. در این سال بدنبال مرگ تیمور، شاهزادگان تیموری به جنگ و رقابت با یکدیگر پرداخته و بر ضد یکدیگر لشکرکشی می کردند، میرزا عمر برای تامین هزینه لشکرکشی های خود به چپاول و غارت مردم تبریز می پرداخت. به دستور او ماموران مالیاتی مبلغ دویست هزار تومان عراقی را در دو روز به زور از مردم گرفتند (همان). تاکید به عدالت و رفع ظلم و ستم یکی از وظایف پادشاهان در اندیشه سیاسی ایرانیان بوده است، این اندیشه در افکار مورخان دوره تیموری نیز به عنوان یکی از خواسته های مردم انعکاس یافته است.

شامی از نخستین مورخان دوره تیموری است که در قالب حکایات پندآموز، با اقتباس از اندرزنامه ها و سیاست نامه های ایرانی، راهکارهای عملی برای بقای پادشاهان و ممانعت از فروپاشی حکومت ها ارائه می دهد. از نظر او بزرگی پادشاهان در پنج چیز است: «رحمتی شامل حال رعیت، عدلی نگهدارنده مملکت، هیبتی که جور ظالم از مظلوم بازدارد، دانشی که بر کید دشمن مطلع گردد، عاقبت اندیشی که بدان فرصت را غنیمت داند.» (شامی، ۱۳۶۳: ۵۱). شامی از دبیران دوره تیموری است که همانند پیشینیان شیوه حکومت داری ایرانی را به امیر تیمور گوشزد کرده و تاکید می کند که وی نیز همانند سلاطین ایران باستان در کشور داری باید به رعایت عدالت و جلوگیری از ظلم و ستم بر رعیت توجه نمایند. او پادشاه را متوجه این نکته مهم می کند که در صورت داشتن رفتار نیک با مردم سبب جلب محبت آنان و در غیر این صورت تنفر آنها را بدنبال خواهد داشت: «هر ملک که نیکخواه خلق بود و مبنای کار خود بر تفقد خلق و رعایت رعیت نهد دلها بر محبت او راسخ گردد و همتها بر دعا و ثنای او مقصود شود ... و هر که حجاب محاملت از پیش بردارد و به سخنان سخت و اخلاق ناپسندیده دل مردم آزارد، خلاق از او متنفر شوند» (شامی، ۲۷ و ۲۸).

شامی برقراری عدالت و امنیت در جامعه را سبب آسودگی و رفاه رعیت و مشغولیت به عمارت و زراعت و این دو را از علل مهم پایداری حکومت می داند: «...در ایام معدلت و یاساق او چه جای تجار که کودکان و بیوه زنان، قماش و زر و سیم و ظرایف بضایع و تجارات می آوردند و می بردند و هیچ آفریده به حبه ای از این توقع نمی نماید و به درمی ایشان را خسران واقع نمیشود این نعمت بیکران و موهبت بی پایان نتیجه سیاست و عدل امیر صاحبقران است...» (شامی، ۹). وی سپس با اشاره به رفتار عادلانه ابوبکر بن میرانشاه با مردم بغداد، عدالت او را با عدالت کسرای انوشیروان مقایسه نموده و گوید امیدوارم تا در سایه عدالت، بغداد باز هم عروس بلاد شود. (همان، ۲۰۹).

خواندمیر از دیگر مورخان دوره تیموری است که شاهرخ را به عدالت و رعیت پروری توصیه می کند و می نویسد شاهرخ پس از بازگشت از سومین لشکرکشی خود به آذربایجان در سال ۸۳۹ هجری چون به هرات رسید: «همه را بواجبی نواخته روی بتمهید بساط عدالت آورد و در رعایت عامه رعایا و رفاهیت کافه برایا بمرتبه مبالغه نمود که مزید بر آن تصور نتوان کرد» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۶۲۶).

مؤلف تاریخ رشیدی در خصوص وظایف سلطان در برابر مردم می نویسد: «بدان که پادشاهی را شریطی است که بی آن شرایط امور سلطنت در دین و دنیا نظام نگیرد و رعایا و مملکت را بر پادشاه حقوق است که بی اداء آن حقوق، پادشاه از عذاب اخروی نجات نیابد» (دوغلالت، ۱۳۸۳: ۴۹۴)، او معتقد است زمانی سلطان محبوب رعیت خواهد بود که خود را بجای یکی از رعایا تصور نماید، هر حکمی را که بر خود روا نمی دارد بر رعایا نیز مرعی ندارد (همان). این مؤلف تاکید می کند که رفع نیاز های رعایا افضل ترین عبادت برای حاکم مسلمان است (همان).

محمد بن هندوشاه نخجوانی از ادبای قرن هشتم هجری، در کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب بر لزوم برقراری عدالت و رفع ظلم و ستم در جامعه تاکید کرده است. نوشته های او در واقع انعکاس افکار عمومی جامعه در زمینه حکمرانی مطلوب دینی در ایران در اواخر دوره ایلخانان می باشد. او می نویسد: پادشاهان در اهتمام به رعایت عدالت هر چه در توان دارند بکوشند چرا که مقام ملوک و سلاطین همانند انبیاء الهی است (نخجوانی، ۱۹۶۴: ۱۸۴-۱۸۵). وی در خصوص منع تعرض امرای حکومت نسبت به مردم بی پناه می افزاید: «آن بیچارگان از بیم جان و خوف چوب و شکنجه می دهند مال و تجمل رعایا متغلبان می برند و رعایا عاجز و مسکین و درویش می مانند و استعداد عمارت و زراعت نمی ماند و پادشاه در دنیا بظلم و بی وقوفی از احوال رعایا مشهور می گردد و در آخرت عقوبت می یابد و مجموع این قضایا محل احتراز و اجتناب پادشاهان دین دار و ملوک معدلت شعارست» (همان، ۱/۱۹۷). هندوشاه نخجوانی معتقد است در سایه توجه سلاطین به رعایا آنان به عمارت و زراعت مشغول می شوند در سایه آن هم مملکت آباد می گردد و هم پادشاه نام نیک از خود بجای می گذارد، در نتیجه سلطنت او دوام و بقا می یابد (همان).

طرق آگاهی حکومت از احوال و خواسته های مردم

سلاطین و حکام تیموری به طرق مختلف از احوال رعایا باخبر می شدند. این طرق عبارت بودند از :

الف- گزارش جاسوسان حکومتی

یکی از راههای آگاهی از احوال و افکار مردم از سوی حکومت ها کسب خبر از سوی خبرنگاران بوده است. خبرنگاران کسانی بودند که مأموریت داشتند در بعضی اماکن عمومی گوش بایستند مردم هر چه را که در مورد شاه و اوضاع کشور می گفتند، جمع آوری کنند. این موضوع ثابت می کند که توده مردم درباره وقایع زمان خود نظرانی داشته اند، نظرانی که دستگاه حاکمه همواره به آنها توجه داشته؛ ولی درستی و وجوه سیاسی آنها را انکار می کرده است. (کریمی و دیگران، ۱۳۹۸ الف: ۲۵۷). محمد بن هندشاه نخبجوانی در کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب یکی از وظایف سلطان را تعیین جاسوسان می داند و می نویسد که بر پادشاه عادل واجب است همواره از احوال بزرگ و کوچک و عموم مردم باخبر باشد بدین جهت او باید منهیان و جاسوسان و خبرنگاران تعیین نماید تا از کیفیت معاش عمال و کارگزاران حکومتی و: «متصرفات با ضعفا و زیردستان و سایر طبقات مردم پادشاه را خبر کنند» (نخبجوانی، ۱۹۶۴: ۲۳۸-۲۳۹)، حافظ ابرو در ذکر وظایف امراء دست نشانده شاهرخ در حکومت قم و کاشان و توابع آن از لزوم بکارگیری جاسوسان جهت آگاهی از حال رعایا تاکید نموده و می نویسد: «منهیان و جاسوسان به اقصای بلاد روانه گرداند و از صلاح و فساد و ضبط ممالک و حفظ مسالک به قدر قوت و قدرت و امکان بر خبر باشد و مدام قاصدان و نوکران به حضرت ما متواتر دارد» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۴/۶۱۱/۴). وی می افزاید از طریق اخباری که جاسوسان برای حاکمان می رسانند آنان از اوضاع ولایت آگاهی یافته و «در استتمالت رعیت و آبادانی ولایت و تحریض مردم به زراعت و عمارت اجتهاد تمام به جای آرند» (همان).

در سال ۷۹۸ هجری ایلچی حکومتی خبر سوء رفتار میرانشاه در حکومت آذربایجان و نواحی غربی ایران و ظلم و ستم او به مردم و ریختن خون افراد بی گناه را به امیر تیمور رساند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۴۸۱). تیمور فوراً خود را به غرب ایران رسانید و میرانشاه را از حکومت برکنار نمود و ملازمان میرانشاه را که در رفتارهای ناپسند وی نقش داشتند به سختی مجازات کرد.

در سال ۸۶۴ هجری از سوی خبرنگاران حکومتی به سلطان ابوسعید خبر رسید که دروازه بانان هرات از هر کس که غله و میوه به شهر می آورند مبلغی به زور می ستانند، سلطان دستور داد جار زنند که عمال حکومتی حق ندارند از کسی چیزی بگیرند در غیر این صورت مجازات خواهند شد (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۶۰۴).

ب- برگزاری مجالس بار عام و توجه به شکایات مردم

مقابله با ظلم و ستم عمال حکومتی نسبت به مردم و رسیدگی به داد مظلومان یکی از وظایف سلاطین مسلمان در طول تاریخ بوده است. گاهی مردم مستقیماً به سلطان رجوع و از عملکرد عمال حکومتی شکایت می کردند، از این طریق سلطان از خواسته های مردم آگاه و از ظلمی که در حق آنان صورت می گرفت، مطلع می شد. در سال ۸۶۶ هجری هنگام بازگشت سلطان ابوسعید از استرآباد به هرات رعایا سد راه او را گرفته و شکایت کردند که عمال حکومتی از آنان زر بسیار گرفته اند، سلطان فرمان داد هر چه از رعایا زیاده گرفته شده از خزانه به آنان بازگردانده شود (زمجی اسفزاری، ۲/۶۲۲). به گزارش حافظ ابرو شاهرخ، فرزند خود بایسنقر میرزا را به ریاست دیوان قضاوت منصوب کرد تا به شکایات مردم رسیدگی کند و دادخواهان و مظلومان از ظالمان بستانند. بایسنقر میرزا به دعاوی رعایا در این دیوان گوش می کرد و بر طبق عدالت به دعاوی رسیدگی می کرد «و بر اندازه جرم و خطای هریک فرمان نافذ می گردانید» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۴/۶۲۹). مقابله با بدعت های جامعه از دیگر اقدامات حکومت تیموریان بوده است. خواندمیر گزارش می دهد که سلطان حسین بایقرا همواره در زدودن بدعت ها و رفع ظلم و ستم در جامعه و رعایت حال سادات، علما، فضلاء، شعرا و .. هرگز غافل نمی شد. هر هفته دو نوبت در روزهای دوشنبه و پنجشنبه قضاوت و علما را نزد خود فرا می خواند و با آنان در امورات مهم مشورت و بر مقتضای شریعت و فتوای علمای دین امورات حل و فصل می نمود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۱۱۱).

ج- آگاهی از احوال رعایا از زبان عرفا

در دوره تیموریان عرفا در آثار خود سلاطین را به رعایت حقوق رعایا و توجه به خواسته های آنان سفارش کرده اند. کمال الدین حسین خوارزمی از عرفای دوره تیموری در قرن نهم هجری بوده است. او در کتاب ینبوع الاسرامی نویسد سلاطین باید در مملکت داری نسبت به رعایا عادل باشند و عدالت را در حق آنان رعایت کنند: «با عامه رعایا و کافه برایا که ودایع حضرت و بدایع صنایع قدرت اند، به عدل گستری و انصاف پروری زندگانی کند و ظالمان را از ظلم و فاسقان را از فسق منع فرماید، و ضعفا را تقویت و اقویا را تربیت دهد و علما را موقر دارد تا رغبت ایشان بر تعلیم علم شریعت موقر گردد و به صلحا تبرک و تیمن جوید تا در صلاح و طاعت راغب تر شوند و اقامت امر معروف و نهی منکر فرماید، تا در کل ممالک [رعایا] به شرع ورزی و دین پروری و رعایت حدود و حقوق شریعت مشغول باشند» (خوارزمی، ۱۳۸۴: ۱/۱۰۲). وی می افزاید پادشاهی که عدالت پیشه کند در حکومتش جز شادمانی و ثمره نیک اعمالش را نبیند «هرآینه این چنین پادشاه در آینه اعمال جز چهره آمل نبیند و از شجره امانی جز ثمره شادمانی نچیند».

چنین اعمالی وسیله نزدیکی او به پروردگار گردد(همان). خوارزمی می نویسد پادشاهی شایسته هر کسی نیست بلکه عطای الهی است که خداوند متعال آن را در قامت افراد شایسته قرار می دهد(همان، ۱/۹۸). خوارزمی معتقد است حکمرانی پادشاه ظالم همانند داستان فرد نادانی است که بر شاخه درختی نشسته و با تیشه شاخه را می برید غافل از این که هر لحظه ممکن بود شاخه شکسته و او به زمین افتاد و جان خود را از دست بدهد. حاکم ظالم نیز همانند همان فرد نادان هر لحظه امکان ساقط شدن حکومتش وجود دارد(همان، ۱/۱۲۴). او در نصیحت حاکمان مسلمان گوید پادشاه خردمند آن است که به بی‌وفایی دنیا نظر کند و به یقین بداند که چون دنیای ناپایدار با دیگران وفا نکرد با او هم وفا نکند و بر خلق خدا ستم نکند چرا که دنیای بی‌وفا به اندازه آرز به موری نیارزد(همان).

خوارزمی می نویسد فرمانروای مسلمان نه تنها خود به رعایا ظلم نکند بلکه باید از ظلم و ستم عمال خود نیز جلوگیری کند. او حکایتی نقل می کند که سلطان محمود غزنوی قصد لشکرکشی به هند را داشت زنی به نزد او آمده و از ظلم و ستم حاکم اصفهان در حق خویش و تصاحب خانه اش شکایت کرد سلطان محمود پاسخ داد اصفهان دور است و من در حال لشکرکشی به هند هستم بعد از مراجعت از لشکرکشی، حق تو را خواهم گرفت زن پاسخ داد سلطانی که نمی تواند در قلمرو خویش مانع از ظلم و ستم عمال حکومتی شود، برای چه به مملکت دیگر لشکرکشی می کند. محمود با شنیدن سخن زن از اسب خود پیاده شد و تصمیم گرفت تا آن حاکم ظالم را عزل نکند به لشکر کشی دست نزنند(همان، ۱/۱۲۸). به اعتقاد خوارزمی وظیفه پادشاه آن است که هر چند گاهی بار عام دهد و راه وصول به بارگاه خویش را برای همگان باز نماید و سخن مظلومان را بشنود و آن را بکار بندد تا افراد ظالم از خوف مجارت سلطان جرات ظلم بر مظلومان را نداشته باشند(همان، ۱/۱۲۵). او به سلطان پند می دهد که: «در امور رعیت به وجهی نظر کن که دوست داری خداوند در روز قیامت به اعمال تو بدان صورت نظر کند، هرگز به ستایش افرادی متملق و فرصت طلب مغرور مباد»(همان، ۱/۱۲۷).

پیر جمال الدین اردستانی از دیگر عرفای قرن نهم هجری است او در مرآت الافراد گوید باید بین سلطان و رعایا محبت و الفت حاکم باشد. اگر محبت بین آنان نباشد امر حق رعایت نگردد، او عرفا را درویشان بی لشکر می نامند که بین مردم محبوبیت بسیار دارند بخاطر آن است که در برابر امر حق سر تعظیم فرود می آورند و نظر شفقت بر همه انسانها دارند و به همین خاطر آنان برای بدست آوردن دل بندگان به حکومت، قدرت، ثروت و لشکر نیازی ندارند(اردستانی، ۱۳۷۱، ۱۶۳-۱۶۴). وی تاکید می کند که هر گاه حاکمان در برابر حق و عدالت سر تعظیم آورند به فکر اجرای عدالت و رفع ظلم در جامعه باشند بین مردم همانند عرفا محبوبیت پیدا می کنند. اردستانی یک ساعت زندگی عرفانی را بهتر از هزار سال حکومت پادشاهی همانند سلیمان نبی می داند(همان، ۱۶۴) او در پند و نصیحت به سلطان گوید: «زهار که شفقت دریغ مدار و با همه مخلوقات بقدر وسع هر یک رحمت نمای تا آخر کار پشیمان نباشی»(همان، ۱۶۵).

محمود بن عثمان از عرفای دیگر قرن هشتم و نهم هجری است او در کتاب مفتاح الهدایه و مصباح العنایه در تاکید به عدالت سلطان گوید در روز قیامت اول چیزی که از پادشاهان خواهند پرسید عدل آنهاست: «اگر عدل کار فرموده باشد، جمله اعمال سیئه ایشان به سبب عدل نگاه داشته باشد، عفو شود. و اگر، عیاذا بالله، از عدل محروم باشد، جمله اعمال حسنه ایشان به سبب بی‌عدلی هیچ محسوب نباشد و در عذاب گرفتار شود»(ابن عثمان، ۱۳۸۰، ۱۴۴). وی می افزاید اگر حکومت سلاطین دچار نقصی شود ناشی از جور ایشان است، باید وزراء و نوابین پادشاه حاکمانی عادل باشند و در حق رعایا عدالت ایجاد کنند و خطاست که امورات رعایا به عمال ظالم و طمع کار و فرومایه سپرده شود زیرا اعمال ظالم موجب زوال حکومت شوند(همان). در نامه ها و منشآت عبدالرحمن جامی مکتوبات فراوانی خطاب به سلاطین و امراء تیموری آمده است که مملو از خواسته های مردمی از سلاطین تیموری می باشد در برخی از این مکتوبات جامی از فقر و تنگدستی رعایا گزارش می دهد: «حال رعایای شهر و بلوکات به واسطه حوالاتی که نسبت با ایشان واقع می شود به مقام اضطرار رسیده است و نزدیک است که زراعت و سایر احوال ایشان از انتظام بیفتد» «پیش رعایا چیزی باقی نماند هر چه بوده از مال و منال محصلان اضافه هم گرفته اند، التماس آن که سلطان عنایت نموده در احوالات رعایا تخفیف واقع شود»(جامی، نامه ها و منشآت جامی، ۱۳۷۸: ۱۱۷). در برخی از مکتوبات جامی از شکایت رعایا از محصلان مالیاتی تیموری گزارش داده است. از جمله سید خاوندشاه از سلطان اجازه نامه ای دریافت کرده تا از او و متعلقان وی عمال حکومتی تعرض نکنند و ایشان در بلخ به زراعت مشغول باشند لذا درخواست دارند هر چه به ناحق از ایشان عمال حکومتی گرفته اند بازگردانند(جامی، ۱۳۷۸: ۱۲۰-۱۲۱).

در برخی از مکتوبات رعایا درخواست بخشش مالیات از سلطان بلعت خشکسالی و کاهش محصولات تولیدی نموده اند. در یکی از مکتوبات جامی تظلم خواهی زارعان بساکوه نموده اند که کاریز های ایشان خشک شده است و در محصولات ایشان نقصان بسیار واقع شده است التماس آن دارند که عنایت نمود خاطر شریف از حال ایشان دریغ ندارند «تفحص فرموده نگذارند که بر ایشان حیفی رود»(جامی، ۱۳۴). و در برخی از مکتوبات رعایا بوسیله جامی

از سلطان تیموری بر علیه قضات تظلم خواهی نموده اند از جمله: «میربیس را به جهت آن که به جرمه ای متهم شده محبوس کرده اند چند روز است متعلقان او تظلم بسیار می کنند که حال او به اضطراب انجامیده است (جامی، ۱۳۶).

د) آگاهی از احوال رعایا در آثار مورخان

خواندمیر می نویسد تیمور به هر دیار می رسید: «از کیفیت سلوک حکام می پرسید و ظلمه را تادیب نموده، داروغه کان عادل را بانعام و احسان خوشدل و بهره‌ور میگردانید» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۴۶۷). او به تحقیق در احوال رعایا و زبردستان می پرداخت، قضات و علما را جمع و از آنان در خصوص احوال رعایای هر منطقه سوال می کرد، افراد امین به ولایات می‌فرستاد تا آنچه عمال حکومتی به ناحق از رعایا گرفته باشند از خزاین به ایشان باز پس دهند. وی مولانا قطب الدین قرمی را که بر اهل فارس ظلم بسیار کرده و سیصد هزار دینار کپکی به ناحق از رعایا گرفته بود، مجازات نموده و پول های گرفته شده را به مردم شیراز بازگرداند، دستور اعدام او را صادر کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۵۲۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲/۱۰۱۲؛ تتوی، ۱۳۸۲: ۴۹۷۰ - ۷/۴۹۶۹).

تیمور هنگام تعمیر ویرانی های شهر بیلقان در قفقاز و کشیدن نهری از رود ارس به این شهر، هر روز مجلسی با حضور علما و فضلا تشکیل می داد و به مشورت با آنان می پرداخت روزی سخن از عدالت و رعیت پروری سلاطین سخن به میان آمد، تیمور در صدد برآمد از اوضاع و احوال رعایا آگاه گردد لذا از علما خواست تا از اوضاع و احوال ولایات و کیفیت معیشت حکام و داروغه ها او را مطلع سازند (خواندمیر، ۳/۵۱۹)، بدنبال آن او عده ای از مدرسان و مفتیان مذهبی که به زهد و تقوی مشهور بودند به ولایات مختلف فرستاد تا در خصوص رفتار حکام و عمال حکومتی با مردم تحقیق و تفحص نمایند و به داد مظلومان برسند (خواندمیر، ۳/۵۲۰؛ حافظ ابرو، ۲/۱۰۰۷).

خواندمیر می نویسد شاهرخ پادشاهی بود صاحب سعادت متصف به کمال عدل و عدالت و شجاعت (خواندمیر، ۳/۵۵۳)، او با واگذاری حکومت کابل، غزنین و قندهار به سیورغتمیش به وی تاکید کرد که با رعایا به عدالت رفتار کند و در حفظ و حراست از طرق و سرحداث به طریق عدل و کیاست و احتیاط عمل نماید، در مجازات مجرمان به موجب مصلحت حکومت و مقتضای شریعت اقدام کند، راهها را امن نماید تا بازرگانان و مسافران به آسودگی در راهها رفت و آمد کنند (حافظ ابرو، ۴/۶۹۱).

حافظ ابرو از رعیت پروری امیرزاده پیرمحمد بهادر از شاهزادگان تیموری گزارش می دهد که: «آن حضرت به غایت رعیت پرور و لشکرنواز بود چنان که در ممالک او اصلا توبره گردان^۱ و قلان نبود» اگر لشکریان از ولایتی عبور می کردند مخارج آنان از خزانه پرداخت می شد. کسی جرات نداشت مخارج لشکریان در راهها را از مردم بستاند (حافظ ابرو، ۳/۲۲۰).

در دوره حکومت شاه محمود، امیر شیخ ابوسعید حاکم هرات بر صاحبان سراهای بازار هرات مبلغ سنگینی مالیات تعیین نمود، محصلان مالیاتی بر مردم فشار آوردند برخی از مردم گریخته و بعضی نیز محبوس شدند و عده ای نیز به اعتراض در مساجد و معابد جمع شدند، اعیان و اشراف شهر هر چند از امیر شیخ ابوسعید درخواست تجدید نظر در حکم نمودند اما او بر ظلم و فشار بر اهل کسبه سراهها اصرار ورزید. عبدالرزاق سمرقندی گزارش می دهد که: «امیر شیخ ابوسعید شهر را دو بخش کرده، نوکران امیر شیخ حاجی و امیر شیخ ابوسعید در هفتم جمادی الاخری به تحصیل آن مشغول شدند و مبلغی سنگین که تخمین کرده بودند دو سه روز وصول یافت» (سمرقندی، ۱۳۸۰: ۲/۸۶۱). با گسترش اعتراضات شاه محمود وارد هرات شد دستور داد اصفاف سراهها هیچ مبلغی به ماموران مالیاتی ندهند و آن چه را که داده اند باز پس بگیرند و حکم داد که عمال شیخ ابوسعید را در هر جای شهر بیابند، غارت کنند. در نهایت به دستور شاه محمود، امیر شیخ ابوسعید از حکومت هرات برکنار و مجازات گردید (میرخواند، ۱۰/۵۵۶۰).

سلطان ابوسعید تیموری مولانا خواجه معزالدین شیرازی و مولانا امیر را به ماورالنهر فرستاد: «ایشان را به اشاعه عدل و داد و تنظیم حال بلاد و عباد سفارش نمود» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱۰/۱۰۹۸). وی در طول حکومتش رسوم مذموم را از میان برد برای اجرای عدالت و رفع ظلم و رسیدگی به احوال زبردستان قوانین و قواعد و رسوم نادرست را لغو کرد تا رعایا در آرامش بسر برند (مچی اسفزاری، ۲/۲۲۴). از جمله مالیات غیر شرعی تمغا را لغو کرد (همان، ۲/۲۵۰). به نوشته میرخواند چون به قصبه کوسویه نزدیک هرات رسید دریافت که عمال حکومتی از رعایا خراج بیش از آن چه که تعیین شده بود می گیرند دستور داد از خزانه حکومت هر آنچه مبلغی زیادی گرفته اند به رعایا بازگردانند (میرخواند، ۱۰/۵۶۰۵)، وی برای رفع ظلم و ستم ترکمانان قراقویونلو به مردم هرات با جهانشاه صلح نمود پس از آن امرای سلطان ابو سعید به هرات آمدند و کنترل شهر و قلعه اختیارالدین را بدست گرفتند و: «آتش ظلم و بیداد ترکمان فرونشست، و رعایا در مهد آسایش و بستر آرامش آسوده گشتند» (مچی اسفزاری، ۲/۲۲۲).

^۱ فقیر، گدا

^۲ . عمله، بیگاری، عمله بی مزد

در سال ۸۷۳ هجری سلطان حسین بایقرا، شیخ ابوسعید را به عنوان داروغه هرات منصوب کرد، او چون به این شهر وارد شد گروهی از اهل فساد و فتنه را که معترض جان و مال مردم می شدند، سرکوب و عدل و داد در شهر برقرار ساخت و اعلام نمود که: «هیچ آفریده به هیچ جهت مزاحم و معترض کسی نشود» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۱/۵۶۸۵)، زیاد ستانی مالیاتی و ظلم و ستم بر مردم همواره از سوی عمال حکومتی تیموری بر مردم وجود داشت در دوره سلطان حسین بایقرا مکرر از اجحافات مالیاتی و ظلم و ستم مردم گزارش شده است، به نوشته میرخواند برخی از امرای دیوان اعلی از جمله خواجه عبدالله به همراه خواجه بختیار سمنانی بر ضعفا و رعایا مالیات زیادی تعیین نمودند، رعایا به وحشت افتاده و به دیوان اعلی هجوم برده و خواجه عبدالله را سنگ باران کردند چون این خبر به سلطان رسید دستور داد خواجه عبدالله را زندانی نمایند و امیر علیشیرنویای را جهت برقراری عدالت به هرات فرستاد، نویایی به دلجویی از ستمدیدگان و رفع مظاهر ظلم پرداخت (میرخواند، ۱۱/۵۷۰۲).

انواع خواسته های مردم از حکومت

۱) کمک به فقرا و بخشودگی مالیاتی

بخشی خواسته های مردم از سلاطین و امرای تیموری در زمینه کاهش مالیات های ظالمانه و غیر شرعی بوده است دوره تیموریان همانند دوره ایلخانان اجحافات مالیاتی در حق مردم اعمال می شد. حذف و یا کاهش این نوع مالیات ها یکی از خواسته های مردم بوده است. گاهی بدلیل شیوع قحطی و گرسنگی، خشکسالی، بیماری و سایر بلاهای طبیعی در جامعه مردم از نظر معیشتی دچار مشکل مالی می شدند، در چنین شرایطی نیز مردم از حکومت انتظار داشتند مالیات ها را هر چند برای مدت اندک کاهش و یا لغو نماید و یا به فقرا طعام دهند. در سال ۷۹۶ ه.ق در بغداد قحط و غلا به درجه ای رسید که مردم درمانده شدند خواجه مسعود سبزواری که از سوی تیمور به حکومت بغداد منصوب شده بود به فقرای شهر اطعام داد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۶۸۷)، تیمور در سمرقند بعد از طواف مرقد اولیاء و اکابر، خراج سه ساله به رعایا بخشید و بعضی از متغلبان و ظلمه را که به مردم ظلم کرده بودند به سیاست رسانید. (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۴۶۷).

در سال ۸۰۹ ه.ق به علت شدت سرما در شهر هرات قحطی رخ داد. اثرات اقتصادی این قحطی چنان ویرانگر بود که به نوشته میرخواند خلائق تا آن زمان همچو بلایی ندیده بودند. بهای یک من غله به سه دینار کپکی رسید. مردم با قناعت ایام سپری می کردند (میرخواند، ۱۳۸۰، ۱۰/۵۱۹۶). شاهرخ تیموری برای کمک به بی نویانان دستور داد انبارهای غله حکومتی را به روی مردم بگشایند. این بخشودگی موجب ارزان شدن قیمت غلات شد چنان که: «خلائق از نان بی نیاز شده به جان امان یافتند. قیمت یک من گندم به یک دینار کپکی رسید. (میرخواند، ۱۰/۵۱۹۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۶۰؛ حافظ ابرو، ۳/۱۴۱). نذر صد هزار دینار کپکی از سوی شاهرخ به مزارات و فقرا و نیازمندان اصفهان (میرخواند، ۱۰/۵۲۹۹)، نمونه ای دیگر از اقدامات وی در جهت کمک به فقرا بوده است. او هنگامی که در سال ۸۳۲ ه.ق به سوی آذربایجان لشکر کشی نمود به هر قصبه و شهری که می رسید به زیارت مشایخ آن منطقه می رفت و زوار و ملازمان آن مزار را صدقه می داد (میرخواند، ۱۰/۵۴۰۲).

سلطان محمد میرزا از شاهزادگان تیموری در هرات مکان هایی که به واسطه عبور لشکریان تیموری ویران شده بود عمارت نمود (زمچی اسفزاری، ۲/۱۵۶). سلطان ابوسعید در سال ۸۷۰ هجری به میمنت خلاصی از بیماری دستور لغو مالیات سردرختی^۳ در خراسان را صادر نمود (سمرقندی، ۲/۹۴۶). سلطان حسین بایقرا پس از رسیدن به سلطنت در حضور قاضی قطب الدین امامی و مولانا شیخ حسین تقی دستور داد رعایا و زارعان و پیشه وران هرات به مدت دو سال از پرداخت خراج و مالیات زر لشکر معاف باشند (خواندمیر، ۴/۱۵۲). «حکم نمود که رعایا و پیشه وران و ارباب حرفت بلده و بلوکات مدت دو سال از وجوه خارجی و زرلشکری معاف و مسلم باشند و عمال دیوان جهت طلب آن وجه، نمک بر دل مجروحان و درویشان نپاشند» (میرخواند، ۱۱/۵۷۱۳؛ زمچی اسفزاری، ۲/۳۷۱).

۲) انتظار رعایت موازین شرعی

یکی دیگر از خواسته های مردم از حکومت رعایت موازین شرعی بوده است. خواندمیر در خصوص مراعات موازین شرعی از سوی شاهرخ می نویسد: «هرگز خیال تجاوز از جاده ملت بیضا پیرامن ضمیر منیرش نمیگذشت مدت العمر نماز چاشت از آن پادشاه اسلام پناه فوت نشد تا بصلوة مکتوبه چه رسد و مادام الحیوة هیچ آفریده را نیاززد مگر بمقتضای شریعت مؤید همواره از روی اخلاص و نیاز بملازمت درویشان و گوشه نشینان می شتافت و بهر دیار که درمیآمد اول شرف طواف مزارات اولیا و اتقیا را درمی یافت» (خواندمیر، ۳/۵۵۳). او در انجام واجبات شرعی اهتمام تمام می نمود و بخشی از ساعات روز را صرف طاعات و عبادات میفرمود و عمدتاً در نماز جمعه مسجد جامع هرات حضور می یافت (همان، ۳/۶۱۵). ساخت بقعه و زیارتگاه بر

^۳. سردرختی آنچه از سر درختان حاصل شود مثل میوه، فرهنگ آنندراج.

مقبره بی بی ستی رخ در نزدیکی بازار هرات از سوی شاهرخ با هدف جلب رضایت مردم (منز، ۱۳۹۰: ۱۷۸) نمونه ای از اقدامات مذهبی شاهرخ بوده است. به نوشته عبدالرزاق سمرقندی شاهرخ بعد از ادای مفروضات و قضای مستحبات به ضبط مهمات ملکی مصروف بود و زمام اهتمام به صوب مصالح دین و دولت انعطاف می فرمود» او همواره در مجالس وعظ علما و مشایخ و مباحث علوم دینی و تفسیر قران و حدیث و فقه حضور می یافت در سفر و حضر روزه می گرفت هر هفته دوشنبه و پنج شنبه و جمعه قاریان به تلاوت قران می پرداختند وی مدام نمازهای یومیه را برپا می داشت و از هرگونه ملامتی و منکرات دوری می کرد (سمرقندی، ۵۹۷-۳/۵۹۸)، سلطان حسین پی از رسیدن به سلطنت دستور داد تمام درباریان و شاهزادگان احکام شرع را رعایت نمایند وی در اجرای این حکم کمال الدین شیخ حسین را به نزد خود طالبید و گفت: «دار السلطنه هرات را بدستور زمان سلطان سعید ضبط می باید نمود و اگر بنفس من یا برادر من یا فرزندم حد شرعی متوجه شود در اجرای آن تاخیر نمی باید فرمود و بر این قیاس خاقان منصور در باب رعایت جانب سایر اصحاب مناصب شرعیه احکام مطاعه به نفاذ رسانید» (میرخواند، ۱۱/۵۷۱۴؛ خواندمیر، ۴/۱۵۲؛ زمچی اسفزاری، ۲/۳۷۳).

سلطان حسین بایقرا در راستای سیاست مذهبی و احترام به عقاید دینی مردم بلخ، سادات و قضات و اشراف و اعیان شهر را جمع نمود و با آنان در باب ساختن مرقد بر روی قبر منتسب به علی (ع) در قریه خواجه خیران مشورت و پس از زیارت این مقبره دستور ساخت بارگاه عالی بر این مقبره را صادر نمود (میرخواند، ۵۷۴۶-۱۱/۵۷۴۷).

نتیجه

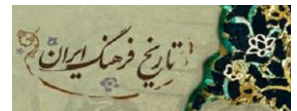
توجه به خواسته های مردم از سوی حکومت از جمله مولفه های مشروعیت بخش حکومت هاست. حکومت ها مشروعیت خود را از مردم سرزمین خویش می گیرند. لذا تلاش می کنند در جهت تامین خواسته های مردم گام بردارند. توجه به خواسته های مردم حتی در حکومت های استیلا نیز به فراموشی سپرده نمی شد، این مسئله در دوره تیموریان نیز دیده می شود. علیرغم این که تیمور به زور شمشیر قبایل اولوس جغتای به قدرت رسید و خود را از نسل چنگیز خان می دانست اما در حکومت داری به آباد کردن ویرانی ها و رسیدگی به معیشت مردم توجه داشت. او علما را به ولایات می فرستاد تا از احوال مردم گزارشاتی جمع آوری نموده و به وی برسانند. تیمور بر عملکرد عمال حکومتی نظارت دقیق داشت تا احدی برخلاف دستورات او عملی انجام ندهند، خراج بیش از حد نستانند، به اموال مردم تعرض نکنند و ظلم و ستم نسبت به رعایا روا ندارند. هرچند تیمور برای رسیدن به اهداف سیاسی و نظامی خود دست به خونریزی می زد و هزاران نفر را قتل و عام می کرد اما در حکومت داری به رعایت عدالت و رعیت پروری توجه داشت. جانشینان او مانند شاهرخ، ابوسعید و سلطان حسین این سیاست را ادامه می دادند رعایت عدالت، رعیت پروری و کمک به مردم در شرایط بحرانی، بخشودگی مالیاتی از جمله اقداماتی بودند که آنان در راستای خواسته های مردم انجام می دادند. این اقدامات سلاطین تیموری در منابع تاریخی و ادبی و عرفانی از سوی مورخان، ادبا و عرفای عصر تیموری منعکس یافته است. این گروه های هر چند در خدمت ولینعمتان خود بودند اما تلاش می کردند سلاطین تیموری را به رعیت پروری و توجه به خواسته های مردم تشویق کنند زیرا معتقد بودند که رعیت پروری یکی از وظایف اصلی پادشاهان در ایران زمین تلقی می شود به همین خاطر آنان سلاطین تیموری را به ادامه این سیاست ها در کشورداری تشویق می کردند.

تضاد منافع

بدین وسیله نویسندگان اعلام می دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع و مآخذ

اردستانی، پیرجمال الدین (۱۳۷۱)، مرآت الافراد، به تصحیح حسین انیسی پور، تهران، انتشارات زواره.



ابن عثمان، محمود (۱۳۸۰)، «کتاب مفتاح الهدایه و مصباح العنایه، به تصحیح منوچهر مظفریان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ایمانی، رضا و زینب امیدیان (۱۴۰۰)، «افکار عمومی، اهمیت و مدیریت آن در نظر امام علی (ع)» مجله تاریخ پژوهی، سال ۲۱، شماره ۸۲، بهار ۱۳۸۲، صص ۲۵-۴۸.

اسدیان، فاطمه (۱۳۹۴)، «مدیریت افکار عمومی در حکومت علوی با تکیه بر نامه امیر المومنین (ع) به مالک اشتر»، نشریه ره آورد سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۴۵ پایانی ۴۶ پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۴۳-۱۷۲.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰)، *زبدہ التواریخ*، جلد ۴ و ۳، به تصحیح سید کمال سید جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب السیر، ج ۳ و ج ۴، تهران: نشر خیام، ۱۳۸۰.

خوارزمی، کمال الدین حسین (۱۳۸۴) *ینبوع الاسرار*، ج ۱، به تصحیح مهدی درخشان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،

تتوی، قاضی احمد (۱۳۸۲)، تاریخ الفی، به تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، ج ۷، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱.

زمجی اسفزاری، معین الدین محمد (۱۳۳۸)، *روضات الجنان فی اوصاف مدینه هرات*، ج ۲، به تصحیح سید محمد کاظم امام، انتشارات دانشگاه تهران.

دوغلان، میرزا محمد حیدر (۱۳۸۳)، *تاریخ رشیدی*، به تصحیح عباس قلی غفاری فرد، تهران: نشر میراث مکتوب، چ ۱.

سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ج ۳ و ج ۴، دفتر اول، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شامی، نظام الدین (۱۳۶۳)، *ظفرنامه*. تهران: انتشارات بامداد.

کریمی، علیرضا، و دیگران (۱۳۹۸) الف، «مطالعه تطبیقی شکل گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه» مجله جامعه شناسی تاریخی، سال ۱۱، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۵۳-۲۷۴

کریمی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۸) ب، «رویکرد حکومت آق قویونلوها نسبت به افکار عمومی»، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ ایران بعد از اسلام، سال دهم، شماره هیجدهم، بهار ۹۸، صص ۱۸۱-۲۰۳.

متولی، کاظم (۱۳۸۴)، افکار عمومی و شیوه های اقناع، تهران، انتشارات بهجت، چ ۱.

میرخواند، محمد بن خاوندشاه (۱۳۸۰)، *روضه الصفی*، ج ۱۰ و ۱۱، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر، چ ۱.

نخجوانی، (۱۹۶۴)، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو، انستیتو ملل آسیا، انتشارات دانش.

- ۱- فهرست منابع به تفکیک زبان منابع (در دو بخش فارسی/ عربی و لاتین) در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به صورت زیر تنظیم شود.
- ۲- نام خانوادگی نویسنده، نام، سال انتشار، عنوان اثر، مصحح (مترجم...)، محل انتشار، ناشر.
- ۳- توجه کنید که منابع فارسی به انگلیسی ترجمه یا آوانگاری شوند.
- ۴- باید یک فهرست منابع فارسی و عربی به زبان انگلیسی با تاریخ میلادی به همراه منابع لاتین تنظیم شود. این فهرست در قالب یک فهرست با ترتیب الفبایی تنظیم شود (برای ترجمه منابع فارسی و عربی، حتماً از صورت انگلیسی ثبت شده در پایگاه های اطلاعاتی موجود استفاده شود و از ترجمه شخصی پرهیز گردد. به عبارت دیگر، در مورد مقاله ها، با مراجعه به چکیده انگلیسی، عنوان ثبت شده مقاله و نویسنده استخراج شود؛ در مورد کتاب ها، از صورت انگلیسی درج شده در پشت کتاب مورد نظر استفاده شود، و در مورد پایان نامه ها، از صورت انگلیسی درج شده در پشت پایان نامه استفاده شود). مانند:

Anvari, H. (2002). *Sokhan Comprehensive Dictionary*. Tehran: Sokhan [In Persian]

Atkins, B.T.S. & Rundell, M. (2008). *The Oxford Guide to Practical Lexicography*. Oxford: Oxford University Press

Bordoli, J. M., E. Cuevas and P. Chacon. 1994. The role of soil organic matter in corn (*Zea mays L*) yield. *Plant Science*, 15(3):27-35. (Journal)

Mahfoozi, S. And S.H. Sasani. 2009. Vernalization requirement of some wheat and barley genotypes and relationship with expression of cold tolerance under field and controlled condition. *Iranian Journal of Field Crop Science*, 39(1):113-126. (In Persian with English abstract)

Kafi, M., M. Lahouti, A. Zand, H.R. Sharifi and M. Gholdani. 1999. *Plant Physiology*. Jahade- e-Daneshgahi Mashhad Press (In Persian)